



صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و مبانی حقوق

پردیس فارابی دانشگاه تهران

مدیر مسئول: سید حامی میرقربانی

سردبیر: علی یحیی پور

ویراستار: محمد رضا حجازی منفرد

طراح: محمد علی حمیدی

زمینه انتشار: علمی-تخصصی



انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی

پردیس فارابی دانشگاه تهران

t.me/anjoman_fegh

شماره سوم

دوشنبه (۱۳۹۶/۱۰/۴)

علی یحیی پور

مقاله

در اندیشه اسلامی آنچه که از اهمیت بالایی برخوردار است، این است که اولاً مسائل به درستی و با نگاه توحیدی مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرند و ثانیاً اندیشه‌های مستقر در عالم ذهن، فاصله‌ی خود را با عالم عین و عمل کم کنند و به منصفی ظهور برسند.

با یک نگاه کلی به دین اسلام در می‌یابیم که معارفی که در اسلام وجود دارد در سه حوزه احکام، اخلاق، و اعتقادات دسته‌بندی می‌شود؛ به گفته‌ی برخی از بزرگان و مفسران، ترکیب این معارف ثلاثه به توحید باز می‌گردد و بالعکس با تجزیه توحید به این معارف «احکام، اخلاق، اعتقادات» دست پیدا می‌کنیم.

این امر به این معناست که بین این معارف، ارتباطی حتمی و حائز اهمیت وجود دارد که در مقام اثبات و عمل، متاثر از یکدیگر قرار می‌گیرند، بطوری که می‌توان یکی از آنها را بستری برای رشد و شکوفایی دیگری دانست.

اصل اعتقادات که به موضوعات عقلی، فلسفی و کلامی باز می‌گردد، عهده‌دار تحلیل و تبیین مسائل هستی‌شناختی و... دین، در فضای ذهن و تفکر است.

اما اصل اخلاق و احکام (فقه) عهده‌دار ظواهر امورات انسان در پرتو دستورات دین می‌باشد. از این‌گزاره اینطور فهمیده می‌شود که ارتباط بین فقه (به معنای احکام شریعت) و اخلاق ارتباط مهمی است.

در باب این ارتباط دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ عده‌ای معتقد به تعارض مصادیقی فقه و اخلاق می‌باشند و به بیان این تعارضات می‌پردازند و قائل به عدم تفاهم ایندو در بعضی موضوعات و احکام می‌باشند؛ در مقابل، کسانی هستند که چنین اعتقادی را رد می‌کنند و اساساً معتقد به چنین تعارضی نیستند و بحث عدم تزاحم ایندو اصل را مطرح می‌کنند.

بدلیل اهمیت بالای این موضوع، بنظر می‌آید که باید بیشتر مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد که آیا اساساً چنین تعارضی وجود دارد یا خیر؟

با یک نگاه کلی و گذرا به شریعت مقدس اسلام در می‌یابیم که مهمترین اصلی که اسلام در حوزه اثبات و عمل، آورنده‌ی آن است، فقه (که جنبه‌ی وجوب و حرمت نیز دارد) و اخلاق اسلامی است.

رسول خدا «صلی الله علیه و آله» در حدیث شریفی می‌فرماید: «انّی بُعثت لِأتمّم مکارم الاخلاق» (با نگاه به این حدیث شریف به درک این معنا می‌رسیم که فلسفه‌ی بعثت رسول خدا تتمیم و تکمیل معارف اخلاقی است و از این حدیث می‌توان اینگونه استنباط کرد که فقه و احکام اسلامی باید در بستر اخلاق شرح و بسط داده شود.



این «آنها» خیلی معنا دارد.

یعنی اساساً بعثت من برای این است؛ هدف این است؛

بقیه مقدمه است. «لأتمّم مکارم الاخلاق»؛

تا اینکه مکارم اخلاق، در میان بشر و افراد جامعه،

در میان انسانها و این امت کامل شود؛ رشد پیدا کند و همه از آن برخوردار شوند و انسان شویم.

www.anjoman_fegh.com

حاکمیت قانون یا اخلاق میثاق اکبری

ضرورت وجود حاکمیت قانون با پیدایش زندگی اجتماعی بشر، خود را نمایان ساخت و فراز و فرودهای بسیاری را نیز تجربه کرده است. در این میان فارغ از ده‌ها مسئله فرعی در بحث قانون و حاکمیت آن، یکی از مسائل بسیار مهم و شاید مبتلابه در جامعه ما بحث نسبت و ربط اخلاق با قانون و وظیفه جامعه مدنی در صورت تعارض این دو می‌تواند باشد و این سوال مهم و کلیدی که «چنانچه قانون در مقابل اخلاق باشد؛ آیا می‌توان در مقابل آن ایستاد و به اصطلاح نافرمانی مدنی انجام داد یا خیر؛ ضرورت حاکمیت قانون و بقای نظم ایجاب می‌کند که قانون ولو قانون بد به حکومت خود ادامه بدهد؟» در صورت اول، راه‌ها و ابزارهای ما برای بروز این نافرمانی مدنی چیست؟

جهت تبیین بهتر مسئله مناسب است که ابتدا مراد خود از برخی واژه‌های کلیدی این پرسش را روشن کنیم و تبیین کنیم که وقتی سخن «قانون» یا «اخلاق» را به میان می‌آوریم مراد ما چیست؟

تعاریف فراوانی از واژه قانون به چشم می‌خورد ولی اغلب حقوقدانان اتفاق نظر دارند که قانون آن چیزی است که حق و وظیفه را در مناسبات میان افراد و گروه‌ها یا جوامع معین می‌سازد. در واقع بیشتر، قانون از باب کارکرد آن تعریف می‌شود. ولی آنچه اینجا مقصود ماست آن باید و نبایدهای لازم الاجرائی است که توسط نهادهای رسمی قانونگذاری در ایران تصویب می‌شود که لزوماً به این معنا نیست که به هدف فوق برسد.

و اما اخلاق که برخی صاحب نظران آن را علم فضایل و رذایل می‌دانند، باید‌ها و نبایدها و همچنین رهنمودها و ارزش‌هایی که راهنمای رفتار و عمل هستند. در واقع مراد ما اینجا اخلاق سکولار و مستقل از هر مفهوم دیگری است. در این نگاه عقل آدمی در شناخت قوانین اخلاقی خودبنیاد و مستقل از هر منبع دیگری است.

حال وقتی قانونگذار آنچه را که از نظر عقل آدمی (که به طور مستقل توان شناخت مفاهیم اخلاقی را دارد) قبیح و خلاف اخلاق است را تصویب کند جامعه مدنی این حق را دارد که در مقابل این قانون لازم الاجرا به شیوه مناسبی ایستادگی کند. پرسش بزرگ این است که پس با اصل مهم و اساسی حاکمیت قانون چه می‌توان کرد؟ آیا می‌توان آن را نادیده گرفت؟ دکتر امیرناصر کاتوزیان (از اساتید برجسته حقوق ایران) در توجیه این نادیده گرفتن حاکمیت قانون چنین بیان می‌دارد: «شعار قانون‌گرایی جنبه‌مقدماتی دارد، یعنی جامعه را آماده اجرای عدالت می‌کند. هدف نهایی این نیست که بگوییم قانونمند شدیم و قانون‌گرا و همین نتیجه ما را کفایت می‌کند. قانونمند شدن و قانون‌گرا شدن باز هم نوعی اطاعت است؛ دولت فرمانده باید امر کند و مردم فرمانبردار باید اطاعت کنند. لذا کافی نبودن قانونمندی و قانون‌گرایی به این معنی است که انسان به نتیجه «اطاعت محض» قانع نیست. ما خواهان آن هستیم که قانونی در کشور اجرا شود که مطابق وجدان ما هم باشد، یعنی چیزی باشد که ما در آرمانها داریم و باید اجرا شود. بنابراین، ما هدفی بالاتر از قانونمندی جامعه داریم و حکومت قانون را تنها به عنوان مقدمه می‌خواهیم.»

« یک نمونه از این قبیل قوانین خلاف اخلاق، اقدام عجیب قانونگذار در صحت ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در صورت اجازه دادگاه بود که البته شدیدتر از صورت فعلی بود که با فشارهای مختلف به این مرحله رسید تصور کنید که چطور این قانون بد می تواند باب سودجویی از کودکان و نوجوانان را بگشاید. حال باید دید ابزار های مقابله با این نظم

اخلاق و ارتداد رسول کریم

خوشبختانه در روزگاری زیست می کنیم که چشم جهانیان چندین برابر شده و نگاه همگان تمامی مسائل را رصد می کند. در این برهه تاریخی اگر در خود کنکاش و بازنگری در بسیاری از اخلاق و احکام نا صواب مان انجام ندهیم، هم سخت غرامت می دهیم و هم سخت مجازات می شویم. ذکر این نکته مشخص است که چشم پوشی یا استفاده نادرست از بسیاری احکام، سنت ها و روش ها ما را لحظه به لحظه ضعیف تر و به پرتگاه نزدیک تر می سازد. به نظر بسیاری از متفکران و صاحب نظران عرصه دین و شریعت، وجود احکام منسوخ و نگران کننده ای مانند ارتداد، نه تنها کمکی به پیشرفت و پویایی دین نمی کند بلکه روز به روز دافعه ایجاد و اسلام عزیز را تضعیف می کند. با بررسی های انجام گرفته حقیر که با مدد از قرآن کریم و آراء مفسران و بزرگان صورت گرفته است، مجازات های دنیوی ارتداد ایدا در قرآن به آن اشاره ای نشده و تمامی احکام صادره خلاف قرآن، دین، شریعت و انسانیت است.

در فرهنگ معین، ارتداد را "از دین برگشتن" و "کافر شدن معنا کرده اند. تبدیل ایمان به کفر دو گونه می تواند باشد: در تقسیم بندی نوع اول، به واسطه مباحث نظری، علمی و تحقیقی (حتی اگر فرد به غلط به نتیجه ای برسد) که ارتداد نظری و علمی نام دارد و همچنین فردی که به واسطه شهوت، انحراف سیاسی و تمایلات شیطانی در عین شناخت حق و حقیقت آن را زیر پا بگذارد و به مقابله برخیزد؛ یعنی ارتداد به واسطه عوامل دنیوی باشد نه شبهات فکری. (که عملاً اثبات این نوع ارتداد امکان پذیر نیست). در تقسیم بندی

ناعادلانه چیست که به عقیده حقوقدانان «مقاومت منفی جامعه ممکن است قانون را در کتاب ها زندانی کند و مانع اجرای آن شود.» به نظر می رسد نهادهای مدنی مختلف خصوصاً نهادهای دانشجویی می توانند با شرح و تبیین و بحث علمی پیرامون چنین قوانینی اولاً باعث آگاهی جامعه نسبت به این مسئله مهم شوند و در ثانی زمینه لازم را برای یکپارچه کردن

نوع دوم نیز اگر کسی پدر و مادرش یا یکی از آن دو مسلمان باشند ولی وی از دین خود روی گرداند مرتد فطری نامیده می شود و اگر کافری پس از گرویدن به اسلام به کفر باز گردد، مرتد ملی محسوب می شود.

طبق گفته محققین و مفسرین، یازده بار در قرآن بکار رفته است که در ذیل یازده آیه آورده می شود:

سوره بقره آیه ۱۰۹: بسیاری از اهل کتاب با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده، از روی حسد، دوست دارند شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر باز گردانند. عفو کنید و گذشت کنید، تا خدا فرمانش را بیاورد، که او بر هر کاری تواناست.

سوره بقره آیه ۲۱۷: تو را از جنگ کردن در ماه های حرام می پرسند بگو: جنگ کردن در آن ماه گناهی بزرگ است اما بازداشتن مردم از راه حق و کافر شدن به او و مسجد الحرام و بیرون راندن مردمش از آنجا در نزد خداوند گناهی بزرگتر است و شرک از قتل بزرگتر است آنها با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان باز گردانند. از میان شما آنها که از دین خود باز گردند و کافر بمیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و جاودانه در جهنم باشند.

سوره آل عمران آیه ۸۶: چگونه خدا هدایت می کند قومی را که نخست ایمان آوردند و به حقانیت رسول شهادت دادند و دلایل و آیات روشن را مشاهده کردند، سپس کافر شدند؟ خدا ستمکاران را هدایت نمی کند.

سوره آل عمران آیه ۸۸: جاوید در لعنت بمانند و از عذابشان کاسته نشود و مهلتشان ندهند.

سوره آل عمران آیه ۱۴۹: ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از کافران پیروی کنید، شما را به آیین پیشین بر می گردانند، پس زیان دیده باز می گردید.

سوره نساء آیه ۱۳۷: کسانی که به خدا ایمان آوردند سپس

خواست ملت برای تغییر اصلاح چنین قوانینی ایجاد کنند و با فشارها و ظرفیت های قانونی موجود در نظام حقوقی ایران از جمله تجمع های قانونی، درخواست از نمایندگان مجلس و... نقش اساسی خود در این زمینه را با نافرمانی مدنی توأم با ارائه راهکار مشخص توسط کارشناسان در چهارچوب ظرفیت های اخلاقی و قانونی، بدون هرج و مرج و اقدامات هیجانی ایفا کنند.

کافر شدند و باز ایمان آوردند، سپس کافر شدند و به کفر خویش افزودند، آمرزیده نخواهند شد و خداوند به راه راست هدایت شان نخواهد کرد.

سوره مائده آیه ۲۱: ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خدا برایتان مقرر کرده است داخل شوید و باز پس مگردید که زیان دیده باز می گردید.

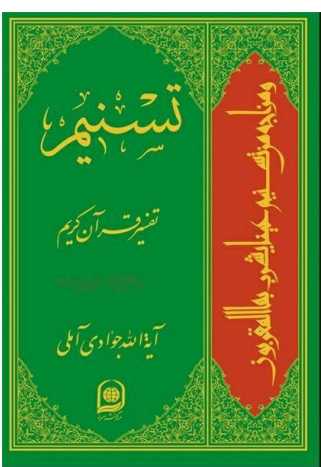
سوره مائده آیه ۵۴: ای کسانی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دینش بازگردد چه باک، زودا که خدا مردمی را بیاورد که دوستشان بدارد و دوستش بدارند. در برابر مومنان فروتنند و در برابر کافران سرکش، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامتگری نمی هراسند. این فضل خداست که به هر کسی که خواهد ارزانی دارد و خداوند بخشاینده و داناست.

سوره مائده آیه ۵۷: ای کسانی که ایمان آورده اید، اهل کتاب را که دین شما را به مسخره و بازی می گیرند و نیز کافران را به دوستی مگزینید و اگر ایمان آورده اید از خدا بترسید.

سوره توبه آیه ۷۴: به خدا سوگند می خورند که نگفته اند، ولی کلمه کفر را بر زبان رانده اند و پس از آنکه اسلام آورده بودند کافر شده اند و قصد کاری کردند اما بدان نائل نشدند. عیب جوئی شان از آن اوست که خدا و پیامبرش از غنائم بی نیازشان کردند. پس اگر توبه کنند خیرشان در آن است و اگر رویگردان شوند، خدا به عذاب دردناکی در دنیا و آخرت معذبشان خواهد کرد و آنها را در روی زمین نه دوستداری خواهد بود و نه مددکاری.

سوره محمد آیه ۲۵: شیطان اعمال کسانی را که بعد از آشکار شدن راه هدایت مرتد شدند و بازگشتند، در نظرشان بیاراست و آرزویشان دراز کرد.

کتاب



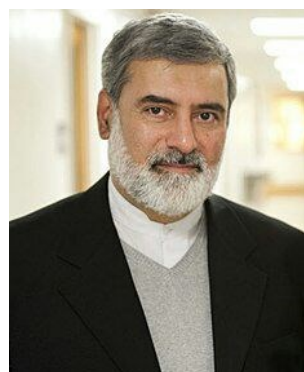
تفسیر تسنیم از تفاسیر شیعی قرآن به زبان فارسی، تألیف آیت الله جوادی آملی است، که بر پایه اسلوب تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نگاشته شده و در شمار «تفاسیر قرآن به قرآن» جای دارد.

روش مؤلف، ذکر آیه یا آیات مورد نظر و بررسی آنها طی چهار مرحله است: «گزیده تفسیر»، «تفسیر آیه»، «لطایف و اشارات» و «بحث روایی» است. عنوان تسنیم، مأخوذ از آیه ۲۷ سوره مطففین در قرآن و نام چشمه ای در بهشت است. تاکنون بیش از ۴۳ جلد از این تفسیر منتشر شده است، و قرار است تفسیر ۱۵ جزء نخست قرآن در ۵۰ جلد منتشر و ۱۵ جزء بعدی نیز در ۳۰ جلد منتشر شود چرا که تبیین بسیاری از موضوعات تفسیری در ۱۵ جزء نخست است نیاز به تکرار آن ها در ۱۵ جزء دوم را مرتفع می کند.

این تفسیر مفصل ترین تفسیری است که در تاریخ اسلام نگاشته شده است.

شاید بتوان با این تفسیر و قرائت تازه ای از آیات قرآن، به تدریج تحولی در فقه و حقوق اسلامی ایجاد کرد که اجتناب از آن تغییرناپذیر بنظر می رسد.

پژوه



محسن کدیور (متولد ۱۸ خرداد ۱۳۳۸، فسا) مجتهد، روحانی، نویسنده، اندیشمند دینی، و استاد پژوهشی دانشگاه دوک در آمریکا است؛ وی از صاحب نظران در الهیات، فقه، و اندیشه سیاسی شیعه است.

از شاگردان آیت الله منتظری بوده، و از منتقدان ولایت فقیه و جمهوری اسلامی است و به دلیل انتقاداتش زندانی و از کار برکنار شده و آثارش در ایران ممنوع‌الانتشار می باشد.

دائرةالمعارف اندیشه سیاسی اسلامی دانشگاه استنفورد از او به عنوان یکی از متفکران مسلمان متجدد ایرانی معاصر یاد کرده است.

در مجموع تا کنون ۲۴ کتاب از آثار کدیور منتشر شده است، شامل ۱۷ جلد تألیف، ۴ جلد تصحیح و ۳ جلد کتابشناسی؛ که کتب «نظریه های دولت در فقه شیعه»، «حکومت ولایی» و «حکومت انتصابی» را می توان از مهم ترین آثار او نامبرد.

اصلاح ساختاری میراث اسلامی، پالایش بنیادی اندیشه شیعی و تعامل سنت و تجدد دغدغه های اصلی کدیور است.

آموزه های حقوقی بهرام بکتاشی

روش های انحلال عقد

- ۱- فسخ: منحل کردن یک طرفه عقد بصورت ارادی؛
 - ۲- رجوع: فسخ کردن عقد جایز اذنی را میگویند و در عقود جایز به کار می رود؛
 - ۳- انفساخ: انحلال قهری عقد به حکم قانون و یا وقوع یک واقعه خاص؛
 - ۴- بطلان: انحلال عقد از ابتدا، گویی که عقدی واقع نشده بود و احکام عقد در آن جاری نمی شود؛
 - ۵- ابطال: باطل کردن عقد غیر نافذ است که همان رد کردن عقد غیر نافذ است؛
 - ۶- اقاله و تفاسخ: انحلال ارادی عقد و با توافق و تراضی متعاملین را میگویند؛
 - ۷- فاسخ: در شرط فاسخ به کار می رود یعنی شرطی که طرفین توافق می کنند با واقعه خاصی عقد بصورت ارادی منفسخ شود
- پس نتیجه تحقق شرط فاسخ، انفساخ عقد است؛
- ۸- عدم نفوذ: در قانون مدنی دومعنا دارد یک: بطلان دو: غیر نافذ به معنای عقدی که قابل رد و تنفیذ است؛
 - ۹- بطلان نسبی: در حقوق ایران نداریم و در حقوق فرانسه و کامن لا وجود دارد و به معنی عقد صحیحی است که قابل ابطال از سوی یکی از طرفین می باشد؛
 - ۱۰- غیر قابل استناد: عقدی که صحیح است اما به دلیل احترام و حفظ حق ثالث، این عقد در برابر وی قابل استناد نیست و ثالث حق ابطال این عقد را دارد.